

جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی

● محمد رحیم عیوضی*

چکیده

امنیت ملی کشورها تحت تأثیر متغیرهای بین‌المللی و منطقه‌ای که کانونهای بحران محسوب می‌شود همواره مورد تهدید قرار دارد هر چه برداشته‌ای گسترش جهانی شدن و ابعاد آن افزوده می‌شود، نسبت به آن دسته از کشورهایی که آسیب پذیری بیشتری دارند این تهدیدات در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تشدید خواهد شد. بنابراین پدیده جهانی شدن به مثابه تهدیدی بر امنیت ملی کشورها قابل بررسی کارشناسی است. این مطلب موجب طرح سؤالات بسیاری خواهد بود که برخی از سؤالات به ماهیت جهانی شدن و ابعاد آن مربوط می‌شود که در این مقاله متغیر مستقل فرضیه‌ی تبیینی خواهد بود و برخی به شرایط امکانات و موقعیت جغرافیایی و فرهنگی جوامع در تقابل با جهانی شدن. در این باره سؤال این است که جهانی شدن چگونه و در چه سطحی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارد. مؤلفه‌هایی چون تنوع و تعدد بازیگران جهانی شدن یا جهانی سازی، انتزاعی بودن تعابیری که از مفهوم جهانی شدن استنباط می‌شود، وجود منافع و محدودیتها، نیتها و پروژه‌هایی برای اهداف مشخص و اینکه جهانی شدن را در چارچوب تئوریک با سه رویکرد پروژه، پروسه و پدیده مورد توجه قرار داده می‌شود. از سویی موقعیت منطقه‌ای و

بین‌المللی ایران، شرایط اقتصادی، فرایندهای فرهنگی، موقعیت ژئوپلیتیک سبب می‌شود رهیافتهای مختلفی در پاسخ به سؤال فوق پیش روی مخاطب خواهد بود که این امر بستگی دارد به مرتبط ساختن فرض‌های احتمالی مورد نظر در دو متغیر مستقل و وابسته‌ی موضوع جهانی شدن و امنیت ملی جمهوری اسلامی.

در این مقاله سعی شده است با توجه به پاسخ سؤال اصلی فرضیه‌ی طراحی و ارائه شده تحت عنوان ذیل معرفی شود.

جهانی شدن چه به مثابه پروسه و پروژه و یا پدیده بر امنیت ملی جمهوری اسلامی تأثیرگذار است. این تأثیرات بستگی به ایفای نقش بازیگران و نخبگان جمهوری اسلامی و سیستم مدیریتی کلان کشور دارد. با توجه به زمینه‌های مناسب و امکانات فرهنگی، سیاسی، ژئوپلیتیکی ایران، جهانی شدن می‌تواند فرصتهای جدی و مناسبی - که تضمینی است بر امنیت ملی - را برای کشور فراهم کند. در غیر این صورت به حذف فرصتها و تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی منجر خواهد شد.

مقدمه

منطقه‌گرایی راهبردی میانه در حد فاصل ناسیونالیسم اقتصادی و جهانی شدن از سوی دیگر است، به طوری که منطقه‌گرایی و جهانی شدن یکدیگر را به طور متقابل تقویت می‌کنند. دولتها از طریق وارد شدن در اتحادیه‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای توان رقابتی و قدرت اتصال و تولید ملی را پیش از پیش افزایش می‌دهند تا بتوانند با وضعیت و قابلیت بهتر در سطح جهانی ایفای نقش نمایند.

این در حالی است که انواع جدیدی از تقسیم کار منطقه‌ای در حال ظهور است مثلاً رشد (جوهور در مالزی، ریود در اندونزی و دولت - شهر سنگاپور) هلال شکوفایی (ژاپن، چین، تایوان، لائوس و...)^۱

اگر قسمتی از جهانی شدن یا راهکاری برای استفاده از آن را منطقه‌گرایی بدانیم در آن صورت ایران دارای امتیاز خاصی است. واقع شدن بین در منطقه حساس جهان و اتصال چندین منطقه (خلیج فارس، قفقاز، آسیای میانه، شبه قاره هند، آسیای صغیر)

که هر کدام دارای مباحث خاص خود هستند ایران را از حساسیت منطقه‌ای بالایی برخوردار ساخته است. از سویی ایران دارای اشتراکات تاریخی، قرابت فرهنگی در عرصه مذهب، زبان، موقعیت ژئوپلیتیکی با همسایگان خود می‌باشد همسایگانی که از نظر تعداد و تنوع کم نظیر است.

در برابر چنین شرایطی تهدیدات منطقه‌ای را برای ایران فراهم کرده است تا جائیکه مرکز مطالعات امنیتی - استراتژیک کاخ سفید در جهت اجرای طرح امنیتی تازه (امنیت انرژی) این موضوع را به عنوان یک دستور کار عمده در سایت خارجی مورد تأکید قرار داده‌است و به تهدیدات علیه ایران افزوده است.

در برابر همه تهدیدات منطقه‌ای و جهانی سازی عوامل جغرافیایی در خلیج فارسی به سود ایران است. بیشترین جمعیت، طویل‌ترین کرانه ساحلی، کنترل بر آبراه با جزایر متعدد، عظمت حضور جغرافیایی، استراتژیک و اقتصادی و... نمونه‌هایی از اهمیت استراتژیک ایران است. در چنین شرایطی ابعاد مختلف جهانی شدن با حضور بازیگران جهانی تهدیدهای جدی را برای ایران فراهم کرده است. در این مقاله ضمن بستر سازی عوامل و زمینه سازی تهدید ناشی از فرایند جهانی شدن تأثیر روند جهانی شدن بر امنیت ملی ایران بررسی خواهد شد.

آشنایی با مفهوم و کارکرد جهانی شدن

در آغاز بحث جهانی شدن چندان دشوار به نظر نمی‌رسد چرا که با توجه به گستردگی آن به نظر می‌رسد هر نقطه‌ای را می‌توان به عنوان مدخل برگزید و عملاً نیز با توجه به علائق و دلمشغولیهای مختلف پژوهشگران، این موضوع از منظرهای مختلف به بحث گذاشته شده است.

اما آیا چنین رویکردهایی مفید، کافی و مناسب نظام بین‌المللی می‌باشند؟ چنین شرایطی از بحث جهانی شدن مطلوب نیست، چرا که به افوتی بدل گشته که برای موافق و مخالفتش توأمان هم مفید و هم زیانبار است. هم مخالفان از آن بهره می‌برند و هم موافقان متحمل خسارت می‌شوند و در این میان آنچه که مسأله ساز گشته نه جهانی شدن (سازی) بلکه بازیگران به طور کلی اعم از افراد و ملت - دولت‌ها - می‌باشند.

این موقعیت و توانایی بازیگران است که موضوع را طرح و توصیف می‌کند و بعد

نسبت به چگونگی رابطه‌اش با آن استدلال می‌نماید. لذا بسته به تنوع و تعدد بازیگران، جهانی شدن یا جهانی سازی خواهیم داشت. همچنانکه انبوه ادبیاتی که تاکنون در مورد این موضوع پدید آمده، تأییدی بر این مدعاست.

از سویی در بحث جهانی شدن با یک موضوع هم روبرو نیستیم بلکه با مجموعه موضوعات مشابهی مواجهیم که در کل به آنها جهانی شدن گفته می‌شود و ما به جای آنکه به اصل موضوع شناخت پیدا کنیم با موقعیتها و تأثیرات وارد بر آن آشنا می‌شویم و هر پژوهشگری از دریچه‌ای محدود به بررسی آن می‌پردازد. لذا به طور خلاصه می‌توان گفت ضعف عمده‌ای که سبب عدم کفایت تلاشهای نظری در این خصوص گذشته همانا فراموشی «نسبیت» پدیده‌های اجتماعی در معنای کلان آن می‌باشد. نتیجه آنکه تمایلات، خواسته‌ها، ضعفها و ناتوانیها به عنوان واقعیت جهانی شدن (سازی) ارائه و معرفی می‌شوند.

همین ابهام و تضاد در آن علت جذابیت و کثرت استعمال این مفهوم می‌باشد. ابهام و تضادی که در مفاهیم منتج از دوران مدرن همواره وجود داشته است. علاوه بر این مفهوم جهانی شدن به لحاظ سطح تحلیل از چنان گستردگی برخوردار گشته که قابلیت تحلیلی آن را زیر سؤال می‌برد.

در مجموع، گستردگی و بی‌حدی سطح تحلیل و بی‌توجهی به نسبیت مفاهیم علوم اجتماعی در برخی موارد، این مفهوم را در عین برخورداری از محتوا، تهی و پوچ می‌نمایند آنچنانکه یک نوع عدم تشخیص در بررسی موضوع به چشم می‌خورد و واقعیت جهانی شدن همچون توهم و خیال جلوه‌گر می‌شود.

این حالت نیز نشان دهنده‌ی خصیصه سیالیت این فرآیند بوده که باعث شده، موضوع دائماً از زیر نگاه کالبد شکافانه‌ی محققان بگریزد و هر لحظه صورتی از خود را به نمایش بگذارد و مانع از ارائه یک نگاه جامع، دقیق و فراگیر شود. مروری بر ادبیات موضوع نشان می‌دهد که یکی شدن جهان مورد پذیرش اکثریت پژوهشگران می‌باشد. جهانی شدن و جهانی سازی دو روی یک سکه، مفهومی نو برای فرآیندی کهن است.

گویی جهان با تمام فزایش از خرد تا کلان مسیری غیر قابل پیشگیری را طی می‌کند و بحثها و بر سر چرایی و فرجام آن - اگر قابل تصور باشد - بوده لکن فراتر از همه‌ی این بحثها، این شدن - چه در معنای فرایند یا پروژه اجباری و تحمیلی از سوی برخی

۱۴۰ قدرتها - مسیر خود را می‌پیماید و توفقی برای آن متصور نیست.

با این اوصاف می‌توان گفت جهانی شدن (سازی) یک مفهوم انتزاعی است که برای مشخص نمودن روند کلان سیاستهای فنی، علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و زیست محیطی در سطح جهان وضع شده است. جهانی شدن یا جهانی سازی در واقع مفهومی ذهنی است و واقعیت بیرونی مشخص ندارد بلکه صرفاً از طریق آثار و تبعات آن روند کلان به این مفهوم استناد می‌شود.

مثلاً اگر جهانی سازی را تشدید روابط اجتماعی میان انسانهای کره ارض بدانیم در این صورت پدیده‌ی اینترنت برای ما خیلی جالب توجه و تأمل خواهد بود. اما نمی‌توانیم بگوییم، جهانی سازی مساوی با اینترنت است در حالیکه می‌توان گفت اینترنت زمینه ساز و وسیله‌ای برای تشدید روابط اجتماعی است. همچنین در نگاه منفی به جهانی شدن که در مفهوم جهانی سازی مستتر است احساس می‌شود که نیتها و پروژه‌هایی برای اهداف کاملاً مشخص در دست اجرا می‌باشد که به مجموعه‌ی آنها جهانی سازی اطلاع می‌شود، اما از این منظر نیز با توجه به نشانه‌های عینی و اثرات بیرونی آن روند کلان مثلاً گفته می‌شود که جهانی سازی یعنی گسترش فقر در جهان و افزایش فاصله‌ی دارا و ندار، در حالیکه فقر و گسترش آن در سطح جهان معلول آن روندهای کلان بوده و لذا نمی‌توان ادعا کرد جهانی سازی مساوی با گسترش فقر است.

در نتیجه تعاریفی از این دست نمی‌تواند از غرضهای پژوهشگر برکنار بماند و نتیجه آن بیشتر توجیه یا تقبیح این پدیده را مدنظر دارد. از این رو می‌توان ادعان داشت که جهانی شدن (جهانی سازی) در مفهوم جدید می‌باشند اما نو بودنشان به معنای تازگی این پدیده نیست و به نظر ما اینها صرفاً مفاهیمی نو برای فرایندی کهن هستند. جهانی شدن آرمان همیشگی بشر بوده و همواره برای تحقق آن تلاش کرده، هر چند که با موانع بسیاری روبرو بوده است. این کوششها و فعالیتها از زمانی که بشر قدرت مقابله‌ی جدی با طبیعت و تغییر در آن را پیدا کرد به صورت جهانی سازی جلوه کرده است.

به این معنی که وجود منافع و محدودیتها، بازیگران را به برنامه‌ریزی و امی دارد اما روند تغییرات به گونه‌ای فرابرنامه‌ای خود را به برنامه‌ها تحمیل می‌نماید که در این وضعیت بازیگران نهایت تلاش خود را به کار می‌برند که از وضعیتهای جدید و احیاناً

از همین روست که مفاهیم جدیدی از مدیریت ارائه می‌گردد و پیشنهاداتی در خصوص تغییر معنای مدیریت و حدود و وظایف آن در جهت سازگاری بیشتر و توان بهره‌برداری افزون‌تر از موقعیتها داده می‌شود. این چالش (چالش توانایی و سازگاری) سابقه‌ای طولانی دارد و گذر موفقیت‌آمیز از این چالشها به عنوان رمز بقای هر بازیگر است.

به هر صورت چه قایل به جهانی سازی باشیم و چه موافق جهانی شدن، بی‌تردید کارگزار آن اراده، فعل و برنامه‌ی انسان است هر چند که نمی‌توان فارغ از برخی محدودیتها باشد. بنابراین شاید بهتر باشد که در تحلیلهایمان در عرصه‌ی جهانی شدن بیشتر به کارگزاران روند کلان آنها توجه شود و در این راستا از تقسیم بندیهای بی‌فایده دست برداشت.

از آنجا که موتور محرکه پدیده‌ی جهانی شدن چه در معنای مثبت و چه در معنای منفی آن یکی علم است و دیگری منافع (اقتصادی) و عملاً نفع اقتصادی با رشد علمی گره خورده است بنابراین در یک تحلیل می‌توان نفع اقتصادی را متغیر مستقل دانست و تحولات نظامهای فرهنگی را متغیر وابسته آن دانست. به عبارت دیگر گسترانیده شدن نفع اقتصادی گره خورده به علم در سراسر جهان آثار متفاوتی بر جای می‌گذارد که از آنها با عنوان جهانی شدن یا جهانی سازی یاد می‌شود و امروزه این پدیده، خود به عنوان یک «داده» برای نظامهای مختلف منطقه‌ای بین‌المللی تلقی می‌شود. و پاسخ بسیاری از سؤالات موجود با ملاحظه‌ی تحلیل فوق نتایج روشن و آینده‌نگرانه‌ای بدنبال دارد.

با توجه به تحلیل فوق از مفهوم جهانی شدن در قالب نظریه سازی سه رویکرد را برای آن ارائه داده‌اند و «پروژه» و «پروسه» و «پدیده». مطالعه هر یک از رویکردها نشان می‌دهد که جهانی شدن به سان شمشیر دو دم عمل می‌کند. همین دوگانگی از ارزیابی جهانی شدن تردیدی است بر اینکه امنیت سوز یا امنیت ساز است. برای مطالعه جهانی شدن رهیافتی چند بعدی ضروری است چرا که رهیافت تک بعدی جهانی را توصیف می‌کند که یا خوب است یا بد، مثبت یا منفی است. اما رهیافت چند بعدی منطق علی واحد را رد می‌کند.

این اصطلاح جهانی شدن که برانگیزنده واکنشهای ابهام انگیزی شده، چالش‌ها خطرها و فرصت‌هایی را پیش آورد که نه مطلقاً جذب و نه صرفاً بد هستند، و این اراده و خواست ملتها و دولتهاست که جهانی شدن را رقم خواهد زد. با این توضیح تجزیه و تحلیل تأثیر جهانی شدن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی میسر می‌باشد. براین اساس فرضیه مقاله چنین است.

تأثیر جهانی شدن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران از سویی متأثر از کارکرد مفهوم جهانی شدن از سوی دولتها، قدرتها و جامعه جهانی و از سوی دیگر اراده ملت ایران در استفاده از مناسب از امکانات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی خویش است.

امنیت و امنیت ملی^۲

امنیت و امنیت ملی از جمله مفاهیمی هستند که پس از پیدایش دولتهای ملی رایج شده‌اند. استفاده از این واژه در ادبیات سیاسی همواره متداول بوده است اما منجر به تعریف مشخص نگردیده است. پس از جنگ جهانی دوم پژوهشگران علوم سیاسی به عنوان یک واژه کاربردی به مطالعه‌ی آن روی آوردند و در قالب نظریه‌های مختلف مسأله امنیت ملی را کارشناسی بررسی کردند.

بسیاری از پژوهشگران امنیت ملی را «توانایی یک کشور در حفظ ارزشهای فردی در برابر تهدیدهای خارجی» می‌دانند.^۳ به تعبیری امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانگان گام بردارد. حفاظت یک ملت در مقابل انواع تجاوزات خارجی، جاسوسی، عملیات شناسایی، خرابکاری و...^۴ تعریف دیگری است که امنیت ملی شده است.

امروزه مفهوم اصلی امنیت ملی برای بسیاری از کشورها حاکی از نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی، حفظ شیوه‌ی زندگی ملی و جلوگیری از مداخله بیگانه در امور داخلی کشور از طریق افزایش توان نظامی است.

به هر حال پس از جنگ جهانی دوم تهدیدات گسترده‌ای که جهان را فرا گرفت مسأله امنیت ملی را به مخاطره انداخت خصوصاً خلیج فارس که دائماً مواجه با جنگهای

فیزیکی و روانی قرار داشت و تلاش دولتها دائماً در ایجاد طرح‌های امنیتی معطوف بود. اما هیچگاه نتوانسته‌اند امنیت را به ارمغان آورند. دخالت و رقابت دولتهای خارجی در جهت حفظ منافع و مطامع بین‌المللی خود موجب ناامنی و بی‌ثباتی گردید.

بروز ناامنیهای منطقه‌ای از دیدگاه کشورهای منطقه با توجه به برداشتهای متفاوت هر یک از مفهوم امنیت قابل تحلیل می‌باشد به طوری که امنیت هر یک از دولتهای منطقه‌ای می‌تواند با ناامنی دیگر کشورها تعریف شود و هر کشوری با تعریف خاص امنیت ملی خود با امکانات و منابع موجود در چارچوبی که از تعریف منطقه دارند، دفاع کنند.

امنیت ملی با تمامیت ارضی رابطه مستقیم دارد و در نهایت به دفاع ملی منتهی می‌شود. استراتژی‌های دراز مدت اقتصادی، نظامی و سیاسی می‌تواند مرزهای امنیت ملی را تا حد مناطق نفوذ یک کشور وسعت بخشد و ظرفیتهای اقتصادی یک کشور که سرچشمه تمام قدرتهای اوست با اضافه وضع نمادهای سیاسی و حقوقی کشور می‌تواند در تحکیم امنیت ملی بسیار مؤثر باشد از سویی به قول والتر لایپمن امنیت ملی در معنی علم کلمه همیشه همراه با قدرت نظامی خواهد بود. به طوری که بود و نبود امنیت وابسته به توانایی کشور در رفع و از بین بردن حمله نظامی است.^۵

«گزارش کمیسیون ویژه زمامداری جهانی» معتقد است که تحولات عرصه بین‌الملل به تولید مفهوم «امنیت مشترک» Common Security و به امنیت دسته جمعی Collective Security و سپس به «امنیت فراگیر» Compre nensire secirity و در نهایت به «امنیت جهانی» دست یافت. البته امنیت همواره در بحث جهانی شدن مورد توجه قرار داده شده است. «اسویر لودگر» Swere Lodgrd یکی از شاخصه‌های اصلی فضای امنیتی جهان معاصر را در «تولید انبوه ناامنی»^۶ داشته است. با این توضیح که زندگی انسان معاصر از حیث امنیتی بسیار آسیب‌پذیر می‌نماید و ما با هر قدمی که در جهت توسعه به جلو برمی‌داریم به صورت مستقیم تهدید تازه‌ای را برای خود پدید می‌آوریم. به عقیده «رامونه» این تهدید فقط مختص به پیرامون نیست بلکه جوامع غربی نیز آینده روشنی را در آئینه زمان نمی‌بینند، آنها نگران بیکاری، بهت از عدم اطمینان، وحشت زده به لحاظ تکنولوژیهای جدید، مشوش از جهانی شدن اقتصاد، دلمشغولی صدمات محیط زیست و فساد لجام گسیخته شدیداً مأیوس و ناامید هستند.^۷

۱۴۴ امنیت ملی در عرصه‌ی جهانی شدن

امروزه در دنیای جهانی شده، امنیت ملی با سطوح فردی، منطقه‌ای و بین‌الملل^۸ در ارتباط است و بدون آن محقق نمی‌شود. یک عامل مهم نما (Paradoxica) در امنیت سیاسی، فرهنگی این است که خود تهدیدها، اغلب موجب تقویت و تحکیم همان هویت‌های مورد تهاجم می‌گردد. چنانکه درجه وفاداری نسبت به برخی باورها نیز احتمالاً در واکنش به فشارهای خارجی افزایش می‌یابد.^۹ دولت برای تحقق امنیت نیاز به وضعیتی دارد که جامعه به سطح قابل قبولی از اطمینان برای تحصیل و پاسداری از منافع ملی‌اش دست یافته باشد.

جامعه ما دارای امتیازاتی است که باعث توسعه سیاسی گردید و همچنین حکومت همگام با تغییرات و تحولات دست به تغییر و تحول جهت دستیابی به ثبات و دوام زده است. این شاخصها هر چند وجود داشته و به ماهیت تحولات ساختار اجتماعی جامعه مرتبط بوده است اما جهانی شدن باعث آگاهی و توجه به آنها شده است و نظام چند قطبی‌اش ناشی از جهانی شدن به ما کمک می‌کند که بدور از سلطه تک‌قطبی یا دوقطبی به تلاش جهت انطباق توانائیهای خود را نظام بین‌الملل برآمده است. در روند جهانی شدن کشورهاییکه نتوانند خود را با شرایط جهانی وفق دهند محکوم به نابودی هستند چرا که وسایل و نهادهای غیردولتی با دور زدن حکومتها به مردم آگاهی داده و آنها را به تحرک وادار می‌کنند یا دولتهایی که آگاهانه می‌کوشند جهان را به گونه‌ای که بود مجدداً مستقر کنند به حاشیه رانده می‌شوند یا می‌کوشند از طریق تلاشهایی برای حصار کشیدن به دور خود به درجه‌ای از خودبسندگی دست یابند که اکثراً موفق نمی‌شوند.

در این صورت به گفته اندیشمندان حوزه جهانی شدن دولت - ملت از بین می‌روند. اما کشورهاییکه از دولت و ملتی قوی برخوردارند قادر خواهند بود تندبادهای جهانی شدن را با موفقیت پشت سر بگذارند. چنین دولتهایی در عرصه جهانی می‌توانند به بازیگری فعال تبدیل شوند. به عقیده «باری بوزان» کشورهاییکه دارای «قدرت محدود» ولی «انجام و پشتوانه مردمی» داشته باشند هر چند دامنه حاکمیت ملی کاهش می‌یابد ولی این کشورها فعالانه وارد بازی جهانی شدن می‌گردند و آگاهانه نسبت به سازوکارهای آن عکس‌العمل نشان می‌دهند و دارای «مزیت» خواهد بود.

دولت‌های یاد شده با تن دادن به اصطلاحات رفتاری موجودیت خود را در تحولات ۱۴۵ آتی همچنان با استحکام و اقتدار حفظ خواهند کرد. این دولتها که برخوردار از بالاترین و ارزشمندترین سرمایه اجتماعی یعنی انسجام ملی هستند مناسب‌ترین وضع را در مواجهه با جهانی شدن خواهند داشت.^{۱۰} جمهوری اسلامی ایران در همین قسم از دولتها قرار دارد که بخاطر پشتوانه مردمی نه تنها زوال‌پذیر نیست بلکه به همراهی و ایفای نقش در روند جاری می‌پردازد.

اندیشه «مردم سالاری دینی» امکانات و پتانسیل لازم و منطقی را برای مواجهه فعالانه با شاخصهای مطرح شده از سوی طرفداران جهانی شدن داراست. شیوه مردم سالاری دینی متضمن پویایی‌های فراوانی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران است به نحوی که آن را برخوردار از توانایی «انعطاف» و «انطباق» با شرایط متغیر، متحول بیرونی و بین‌المللی می‌سازد. برای ساختارهای مردم سالارانه تنها تهدید نیست بلکه فرصت بالقوه نیز فراهم می‌سازد.

هر چند اجماع کلی در مورد مردم سالاری دینی از طرف نخبگان وجود ندارد و جامعه دچار انتخاباتی است اما در حال ثبات یافتن می‌باشد تا بتواند ضمن آرامش و تعادل و انرژی و تحرک هر چه بیشتر و با استفاده از محیط جدید بین‌المللی ضمن کمال‌جویی در توسعه سیاسی، از فرصت‌های موجود نهایت بهره‌برداری را به عمل آورد.^{۱۱}

چرا که ما مسالمت‌جوتر از همسایگان در منطقه خلیج فارس هستیم بنابراین انعطاف‌پذیر عمل می‌کنیم. دولت می‌تواند با تکنولوژیهای ارتباطی بر قدرت خویش بیفزاید یا دولت‌های همسطح به تشکیل ایده‌های مشترک دست بزند و در نهایت با جو اقتصادی حاکم بر جهان به همکاری بیشتر اقدام کند تا در مقابل تهدیدات دچار ضربه‌پذیری می‌شود.

سایت خارجی امروزه در ارتباط با جهان دچار تغییرات سیاسی شده است که ما را به اهداف نزدیک‌تر می‌کند. اقداماتی نظیر تنش‌زدایی با شعار «عزت، حکمت و مصلحت» نگرش «دیپلماسی تجاری» به روابط بین‌الملل بجای سیاست و ایدئولوژی صرف، ایجاد ارتباط با ملل مختلف و ایفای نقش‌های متعدد و...

این تغییرات در طی دو دهه گذشته نظیر گروگانهای امریکایی، جنگ تحمیلی، بحران

۱۴۶ خلیج فارس و افغانستان، دستگاه دیپلماسی را عمیقاً ورزیده و مستحکم نموده است.

بنابراین جمهوری اسلامی با برخورداری از شاخصهای متعدد انسجام ملی موقعیت استراتژیک، ذخایر غنی نفت و گاز، شور و حرارت ایدئولوژیک، میل شدید به استقلال‌خواهی، بازار اقتصادی وسیع، نسل انقلاب دیده، طعم جنگ چشیده، تجربه تاریخی، فرهنگ و ادب غنی، نسل جوان تحصیل کرده و... نه تنها در حال قوام بخشیدن به مردم سالاری دینی است بلکه عراق نخواهد بود اگر بگوییم «هژمون منطقه‌ای» و یکی از بازیگران بالقوه عرصه جهانی می‌باشد. چرا که از مهم‌ترین خصلت یک موجود زنده، یعنی تغییر و دگرگونی برخوردار است و مطابق نظام بین‌الملل حرکت می‌کند.

امنیت ملی و آسیب‌پذیری اقتصادی

شاید وجود هیچ‌گسستی به اندازه شکاف اقتصادی از حیث روانی برای شهروندان کشورهای مختلف تأثیر سوء بر جای نگذاشته است. ملاحظات اقتصادی نظیر گسست فقر و غنا، عدم استفاده از قابلیت‌های انسانی، استفاده بی‌رویه از طبیعت و ملاحظات سازمانی و قانونی است که باری بوزان می‌گوید: «جهانی شدن دچار طاعون ابهام است».

مهمترین تهدید امنیت ملی در بعد اقتصادی قابل تأمل می‌باشد. اگر چه جهانی شدن اقتصاد امکانات جدیدی را برای همه کشورها فراهم ساخته است و برخی مصادیق وجود دارد که کشورهایایی که نظام جهانی را پذیرفته‌اند و سعی در سهم‌خواهی با آن برآمدند نتوانستند به اوضاع اقتصادی خود سامان دهند و مطالعه‌ی کشورهای آسیایی جنوب شرقی و برخی کشورهای امریکایی نشان می‌دهد که در طی سالهای گذشته رشد اقتصادی به مراتب بیشتر از کشورهای غربی داشتند.^{۱۲}

آمارها نشان می‌دهد که در نظام اقتصاد جهانی به روی کشورها بسته نیست و جهانی شدن اقتصاد امکانات جدیدی را برای همه کشورها فراهم ساخته است. از سوی ایران همانند برخی کشورهای جهان سوم دچار اغتشاش و بحرانهای شدید اقتصادی نمی‌شود. اما برای رسیدن به جایگاه خاص خود نیاز به همکاری جهانی است.

جمهوری اسلامی از طرفی دارای منابع عظیم زیرزمینی جمعیت زیاد و هوش و استعداد ایرانی می‌باشد و اگر محور اصلی اقتصاد جهانی شده را دانش و اطلاعات

بدانیم و ثروت را هوش و استعداد انسانی، امکان ورود ایران به صحنه فن آوری مبتنی ۱۴۷ بر دانش باز است و ایران توانایی آن را نیز دارد.

بنابراین، تهدید امنیت ملی ناشی از اقتصاد از در حاشیه قرار دادن ایران از سوی مخالفان جمهوری اسلامی است. تهدید اصلی زمانی است که حاشیه‌نشینی جمهوری اسلامی بیشتر شود. فشار جهانی شدن باعث گرایش ایران به حضور فعال در عرصه بین‌المللی و ایجاد همکاری با کشورهای همسایه و کسب منافع وادار شد.

سیاست ایران در عرصه جهانی شدن به مثابه سوار شدن بر کشتی جهانی شده می‌ماند. به طوری که باید از آن استفاده کرد هر چند در بدترین نقطه آن جای داشت چرا که سوار نشدن به کشتی ممکن است ما را دچار طوفانهای مهیب گرداند. کسب موفقیت‌های بسیار از نظر وجهه بین‌المللی، قراردادهای مختلف، پذیرش سرمایه‌گذاری، مذاکرات مختلف و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری، کاهش موانع گمرکی، تأمین خسارت صادرکنندگان، روابط با کشورهای همسایه قابل توجه و اندازه‌گیری است.

ایران از نظر اقتصادی توانایی کسب سود را دارا می‌باشد و سعی در شفافیت سیاستهای اقتصادی، هماهنگی با اقتصاد جهانی و رقابت در عضویت «سازمان تجارت جهانی» فعال کردن مناطق آزاد تجاری، صادرات غیرنفتی، اعطای اعتبار به خریداران کالاهای ایرانی در خارج، تقویت شبکه بانکی در جهت تأمین اعتبار، تقویت شبکه اطلاع‌رسانی بازرگانی، گسترش فرهنگ صادراتی و... عکس‌العمل ایران در قبال تأثیرات جهانی شدن است.

امروزه تأثیر جهانی شدن بر جمهوری اسلامی ایران در برخی از شاخصه‌های جهانی مشهود است. از قبیل افزایش کیفیت کالاهای داخلی، از بین رفتن رانت، رشد بر مبنای توانایی و منابع و منطقه حداقل سرمایه‌گذاری غیرمستقیم، استفاده بهینه از منابع و امکانات، رشد اتحادیه‌های تولیدی و تجاری، واکنش انعطاف‌پذیر در برابر بازار جهانی، نقل و انتقال نیروی کار، توجه به نیروی انسانی، رقابت، رفاه، بهبود شرایط زندگی، کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش خصوصی‌سازی و غیره می‌باشد.

اشاره به چند مؤلفه اقتصادی تأثیر جهانی شدن را نشان می‌دهد. از جمله رقابت، شرکتها همه جا را بازار خود می‌دانند، بنابراین در پی کسب سود بیشتر سعی در رقابت و کاهش قیمت و افزایش کیفیت جهت کسب بازارها می‌باشند که در آن مردم می‌توانند

۱۴۸ انتخاب کنند. این عامل در بعضی از بخشها باعث رشد شد و در بعضی از بخشها بخاطر ترس رقیب و عدم توانایی محصولات داخلی (مثل اتومبیل) باعث کیفیتی پایین و قیمت بالا شد. در صورتیکه رقابت در صنایع مخابراتی بین‌المللی باعث کاهش هر پالس مکالمه تلفن از ۳۰ دلار به ۱ دلار شد. اشتغال، ایجاد اشتغال چه از طریق مهاجرت به مناطق دیگر (ژاپن، کانادا) و چه با ورود سرمایه و ایجاد کار (فولاد مبارکه و کابل شهید قندی و...) مهیا می‌شود.

بررسی وضعیت جهان معاصر و تأثیرات عمیق جوامع از فرایندهای جهانی شدن سیاست دلالت دارد بر اقبال مردم به حضور در عرصه اداره امور جامعه که از آن به مشارکت سیاسی یاد شده است که در برخی جوامع باعث نابودی حکومتهای «پاتریموینال» شده است.

رشد جمعیت، گسترش روابط و ظهور فناوریهای ارتباطی و... از ایجادکنندگان روندی هستند که اداره جامعه را بر عهده دارد. همچنین دستیابی به اطلاعات، بهبود شرایط و فرصت‌ها برای زنان، ارتقای سطح تحصیلات و ایجاد آگاهی سیاسی معطوف به قدرت با توجه به رشد فزاینده جمعیت و تقویت و افزایش سازمانهای غیردولتی و شکل‌گیری اپوزیسیون دلالت بر شأن مردم در اداره امور حکومتی می‌باشد که به یکی از نمودهای مردم سالاری می‌انجامد.^{۱۳}

در نظام مدرن دولت مرکب از حاکمیت، مردم و سرزمین و نهادهای حکومتی است که حاکمیت در درجه نخست قرار دارد. حاکمیت است که حتی در صورت نارضایتی مردم می‌تواند تا مدت زیادی باعث دوام حکومت گردد. اما در دوران جدید این حاکمیت از طریق عوامل مختلف جهانی شدن به چالش کشیده شده است (مانند سرمایه‌گذاری وسایل ارتباطی و انتقاد بین‌المللی و...) و باعث استانداردسازی و بسط آزادیهای سیاسی، برگزاری انتخابات آزاد گسترش و تبلیغ مبانی دموکراسی و باعث کاهش دامنه اقتدار و حاکمیت کشورها را فراهم می‌آورد و دگرگونی جهان سیاست در عرصه، جهانی شدن.

امنیت ملی و جهانی شدن فرهنگ

جهانی شدن در بعد فرهنگی برای ما که از گذشته‌ای با پشتوانه قوی تاریخی فرهنگی و

نیز دین اسلام که مخاطب جهانی وارد یک فرصت است. اگر نمی‌توانیم به کالبدشکافی ساختارهای فرهنگی و یا تقویت عناصر مثبت فرهنگی دست بزنیم در راه رشد، تکامل و بروز هویت ایرانی که ترکیبی از تاریخ و مذهب است مانع ایجاد نکنیم تا این هویت را از حرکت متوقف کند. در آن صورت راه برای پذیرش فرهنگ‌های دیگر با تأثیر یکجانبه همواره خواهد شد. این مانع شدن همانا ساختن انسانهایی مسخ شده است که فقط پیروی می‌کنند. در مراحل بعدی می‌توان به «پروژه مصون‌سازی» و مواجهه تأثیرگذار پرداخت.

تجربه تاریخی به ما می‌آموزد که نباید وارد جنگ ایدئولوژیک با جهان و مخصوصاً غرب گردید. چرا که غرب نیاز به یک دشمن ایدئولوژیک حتی تخیلی برای توجیه و ادامه پروژه سلطه خود نیاز دارد. چنانچه مفاهیمی نظیر شرق، غرب، جنگ تمدنها، نظم نوین جهانی، تروریسم، و شمال و جنوب و... در همین راستا قرار دارد که علاوه بر صرف وقت و هزینه بهره‌برداری ایدئولوژیک را نیز در پی دارد. همانطوریکه برخورد تمدنها باری نظم نوین آمریکایی و تداوم سروری امریکا ضروری می‌باشد. بنابراین نباید وارد این مفهوم‌سازی‌ها شده و بستر لازم را برای غرب فراهم سازیم.

در بعد داخلی، با توجه به امکانات انسانی، منابع زیرزمینی، موقعیت ژئوپلتیک و ارتباطی و تجربه‌های مختلف (انقلاب، جنگ، سازندگی) به تدوین برنامه‌های راهبردی بپردازیم. و همه شرایط را برای تقویت و به حداکثر رساندن مشروعیت به کار گیریم که قوی‌ترین عامل در مقابل تهدیدات و نیز با انگیزه‌ترین مؤلفه برای رشد و توسعه در دنیای جدید می‌باشد. کشوری که دچار بحران مشروعیت نگردد هیچ بحرانی آن را تهدید نمی‌کند. در ادامه مشروعیت‌زایی، باید به نهادمندیهای سیاسی و اداری جهت تصمیم‌سازی و پاسخ به مطالبات و نیز توجه به هویت ملی و همگونی ملی و همگونی اجتماعی، انتخاب و جابجایی نخبگان کارآمد و تقویت تواناییهای سیاسی و نظامی پرداخت. جهت فعالیت در جهانی که از سلطه ابرقدرتها و استعمارگاران تقریباً رها شده و به «جهانی شدن» شهرت یافت، سیاست خارجی دارای نقش به‌سزایی است. جمهوری اسلامی می‌تواند با تدوین اصول جدید، عوامل تأثیرگذار، نهادهای مسئول در تصمیم‌گیری و روند برنامه‌ریزی و تکنیک‌ها و ابزارها در قالب سیاستهای خارجی زیر با اهرم وزارت خارجه به بازیگری بپردازد.

برخی مسائل ربط به این سیاستگذاریها که در تقویت امنیت ملی تأثیرگذار می‌باشد و نیاز به اقدام جدی دارد به تشریح ذیل است:

همکاری و دوستی با کشورهای معمولی و مرتبط جهت تأثیرگذاری و رسیدن به اهداف و گرفتن حقوق مردم

- تداوم تنش‌زدایی با همسایگان و سایر کشورها

- استفاده بهینه از امکانات و منابع در جهت حفظ منافع ملی

- اصلاح مبانی نظری که در طی دو دهه علی‌رغم عوض شدن شرایط جهانی همچنان مستقر است (مفاهیمی چون استکبار،...)

- مشارکت جدی و ایفای نقش مؤثر در تحولات اما باید توجه داشت مشارکت ارادی دارای منافع می‌باشد که عنصر زمان و موقعیت مناسب از اولویتهای این مشارکت است.

- دخالت خیرخواهانه مؤسسات اقتصادی و سازمانهای فرهنگی در روند تصمیم‌گیریهای سیاست خارجی جهت تحقق اهداف و منافع ملی
- بررسی و تجدید نظر سیاستهای گذشته

- بررسی حفظ منافع ملی و صیانت از امنیت ملی باید از امکانات و تواناییهای داخلی استفاده کرد از جمله: فرهنگ غنی، امکانات مادی بیشمار، تجربیات تاریخی متعدد (مشروطه، کودتای ۲۸ مرداد، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی) رشد جمعیت و شهرنشینی، افزایش سطح سواد، دین اسلام به عنوان مکتب انسان‌گرا و عالم‌گیر، استعداد و تواناییهای انسانی و...
- ارزیابی درست تهدیدات، شناخت فرصت‌ها و کاهش و کنترل تهدید و کاهش آسیب‌پذیری داخلی

- استراتژی فرهنگی جمهوری اسلامی باید بر اساس تأکید بر استقلال ملی و هدایت هویت‌یابی مرکب مشروعیت تاریخی بر اساس مرزبندیهای طبیعی باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. رابرتسون، رولاند، جهانی شدن، ترجمه کمال پولادی (تهران: نشر ثالث، ۱۳۸۰، ص ۳)
2. Security, National Security
3. Jeffery M. Eliaz, the Arms Countrol, Disarmament and Milifary Security Ditionary, USA, California state university, 1989
۴. جان ام گالینز، استراتژی بزرگ، ترجمه کورش بالیژر، (تهران: وزارت خارجه، ۱۳۷۰)، ص ۴۷۵
۵. سیف زاده، حسین، اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر دانشگاه، ۱۳۷۸، ص ۱۷۰.
۶. به نقل از: مک کین لای، رابرت و ریچارد لتیل، امنیت جهانی، ترجمه اصدانتخاری، (تهران: راهبرد، ۱۳۸۰) ص ۲۱
۷. راموته، اگناسیو، آیا جهان به سوی هرج و مرج می‌رود؟ ترجمه پریچهر شاهسوند، (تهران: انتشار عطا، ۱۳۷۷) ص ۱۱
۸. بوزان، باری، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، راهبرد، ۱۳۷۸، ص ۳۹۹
۹. ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه مطالعات راهبردی (تهران: راهبرد، ۱۳۷۷) ص ۱۳۹
۱۰. قریب، حسین، «جهانی شدن و چالش‌های امنیتی ایران»، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال پانزدهم مرداد شهریور ۱۳۸۰، ص ۸۰-۱۶۷
۱۱. قریب، حسین، جهانی شدن و چالش‌های امنیتی ایران، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال پانزدهم مرداد شهریور، ۱۳۸۰ - ص ۷۱
۱۲. به نقل از: ماندل، مارابرت، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه مطالعات راهبردی، (تهران: راهبرد، ۱۳۷۷، ص ۲۱۴)
۱۳. تهرانیان، مجید و دیگران، جهانی شدن (چالش‌ها و ناامنی‌ها) (تهران: راهبرد، ۱۳۸۰، ص ۸۰)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی